

عوامل مؤثر بر منابع هویت اجتماعی جوانان (مطالعه موردی دهلران - ایلام)

تاریخ دریافت: ۱۳۸۹/۵/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۷/۲۵

معصومه باقری^۱

محمد سلیمان نژاد^۲

چکیده

مطالعه حاضر با رویکردی جامعه‌شناختی درصدد بررسی منابع هویتی جوانان دبیرستانی شهر دهلران است. این تحقیق به شیوه پیمایشی انجام گرفته است. برای تعیین حجم نمونه در این تحقیق با استفاده از فرمول کوکران تعداد ۲۱۵ دانش‌آموز دبیرستانی به عنوان حجم نمونه به روش نمونه‌گیری غیراحتمالی (سهمیه‌ای) و نمونه‌گیری احتمالی انتخاب شده است. بنا به ماهیت موضوع و روش تحقیق از «پرسشنامه محقق ساخته» استفاده شده است، در این بررسی از نظریه‌های آنتونی گیدنز و ریچارد جنکینز جهت تبیین منابع هویتی شکل‌دهنده به هویت اجتماعی استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون T، ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون استفاده شده است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیر تحصیلات به عنوان نمادی از تلاش فردی با هویت شخصی افراد رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. یعنی با بالا رفتن میزان تحصیلات جوانان، هویت شخصی آنان تقویت شده و از دیگر هویت‌هایی که جنبه گروهی دارند، کاسته می‌شود. همچنین، با سنجش متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی، مشخص شد که متغیر اخیر تنها با هویت قومی رابطه معنادار داشته و با دیگر منابع هویتی بیشترین همبستگی با هویت‌های فردی دارد تا هویت‌های جمعی. یعنی هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد بالاتر باشد، نقش هویت‌های جمعی کم رنگ‌تر و نقش هویت شخصی پر رنگ‌تر می‌شود. همچنین نتایج حاصله از رگرسیون نشان می‌دهد که متغیرهای هویت گروهی و هویت مذهبی، بیشترین سهم را در تکوین هویت اجتماعی فرد دارند.

واژگان کلیدی:

هویت اجتماعی، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، هویت (شخصی، ملی، گروهی، قومی، خانوادگی، مذهبی).

۱. استادیار دانشگاه شهید چمران اهواز

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

مقدمه

هویت شرط لازم برای زندگی اجتماعی است و بدون چارچوبی برای تعیین هویت اجتماعی، انسان‌ها نمی‌توانند به صورتی معنادار و پایدار با یکدیگر ارتباط برقرار کنند. موضوع تحول در ساختار اقتصادی و اجتماعی و نیز شکل‌گیری نظام جدیدی از ارزش‌ها و هنجارها، نگرانی‌ها و تردیدهای بسیاری را در صاحب‌نظران اجتماعی، دینی و اخلاقی در مورد جایگاه شخصیتی و رفتاری افراد و زندگی اجتماعی آنها به وجود آورده است. بی‌شک بالاترین و فراگیرترین سطح هویت جمعی همان هویت جامعه‌ای است؛ که در میان هویت‌های جمعی متفاوت، حائز بیشترین اهمیت به لحاظ وحدت و انسجام ملی است. یکی از ویژگی‌های اساسی هویت جامعه‌ای این است که همانند دیگر سطوح هویت، ایستایی ندارد و دائم در حال تغییر و پویایی است (وود وارد، ۲۰۰۴). برای مثال همین امر سبب می‌شود که با دگرگونی شرایط زمانی و مکانی و وقوع برخی از حوادث مهم تاریخی، سیاسی و اجتماعی نگرش‌های مردم در خصوص آن تغییر یابد و در نتیجه هویت جامعه‌ای تضعیف یا تقویت شود (ساساکی، ۲۰۰۴). ویژگی‌های رفتاری افراد جامعه در هر زمان، ملهم از آگاهی و معرفت آنها است که افزون بر شکل‌دهی به هویت آن جامعه، به زیر ساخت‌های تاریخی نسل‌های بعدی نیز تبدیل می‌شود (شاکری، ۱۳۸۳). بروز احساس تعلق اجتماعی هنگامی است که اجتماع در مقابل "غیر" یا "دیگری" قرار گیرد و سبب واکنش‌هایی شود که یک طیف از حفظ خود تا اثبات برتری خود را در برمی‌گیرد و آن بستگی به عوامل درون سیستمی و برون سیستمی دارد. اگر درون سیستم از انسجام کافی برخوردار نباشد سیستم قادر به حفظ خویش نمی‌شود و تغییرات را سریعتر می‌پذیرد. البته با توجه به سیطره جهانی تکنولوژی ارتباطات که موجبات تشدید تاثیرات مخرب فرهنگی و اجتماعی در سطح نگرش و رفتار افراد به ویژه جوانان می‌شود، موضوع هویت اجتماعی و فردی و تاثیرگذاری آن بر سایر کنش‌ها و نگرش‌های جوانان اهمیت علمی می‌یابد. هویت اجتماعی، درک ما از این مطلب است که چه کسی هستیم و دیگران کیستند و از طرفی، درک دیگران از خودشان و افراد دیگر چیست؟ از این رو هویت اجتماعی نیز همانند معنا ذاتی نیست و محصول توافق و عدم توافق است و می‌توان در باب آن نیز به چون و چرا پرداخت (جنکینز، ۱۳۸۱). لاور معتقد است که هویت باید به عنوان سازه‌هایی که در روابط بین شخصی ساخته می‌شود درک شود نه به عنوان احساس تعلق کردن در چارچوب فردیت شخصی. هویت یک سازه اجتماعی است؛ به طور اجتماعی تثبیت می‌شود و از زندگی اجتماعی روزمره مردم بیرون می‌آید (لاور، ۲۰۰۸). در حال حاضر، پیشرفت تکنولوژی ارتباطی نظیر گسترش ماهواره و

اینترنت، این امکان را در اختیار جوانان قرار داده است تا خود را به قشری جهانی با علایق مشابه و ادبیات مشترک تبدیل کنند (کاظمی پور، ۱۳۸۷). با توجه به شکل‌گیری شخصیت جوانان در این سنین، آنها در دوره‌ای به سر می‌برند که احساس تعلق عاطفی به جامعه خود کسب می‌کنند. در سنین نوجوانی و جوانی شخصیت فرد شکل گرفته و طی روند جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری، ارزشها و هنجارهای جامعه خود را درونی می‌کند و بر اساس آنها، رفتار و اندیشه‌های خود را شکل می‌دهد در عصر دهکده جهانی؛ هر چه فرایند جهانی شدن پر شتاب‌تر و شدیدتر باشد بازسازی فضا و زمان، نفوذپذیر ساختن مرزها و تخریب فضاهای فرهنگی - اجتماعی نسبتاً بسته، هویت‌سازی سنتی را بسیار دشوار می‌سازد. بنابراین نوعی بحران هویت و معنا شکل می‌گیرد که عبور از آن مستلزم بازسازی هویت است. امروزه خطر کاهش هویت ملی در میان جوانان و در نتیجه عدم تمایل به ایفای نقش فعالی در فرآیندهای اجتماعی و ملی به یکی از معضلات برنامه‌ریزی توسعه اجتماعی بخصوص در سطح کشورهای در حال توسعه شده است. بررسی اهمیت هویت و دامنه تاثیرگذاری آن بر تمایلات و علائق جوانان به منظور قبول نقش و مسولیت اجتماعی می‌تواند مانع از گسترش آسیب‌های اجتماعی بیشتر در عرصه جامعه ایرانی ما شود. دوران گذار سبب دگرگونی‌های جدی هویتی شده است. در جوامع سنتی، هویت اجتماعی افراد و گروه‌ها، مبتنی بر ویژگی‌های انتسابی است، اما در جوامع مدرن، ویژگی‌ها و رفتارهای فردی که خود افراد آنها را کسب کرده‌اند مبنای هویت اجتماعی آنان به شمار می‌روند. از این رو، در جامعه معاصر، جهت‌گیری جامعه‌شناسی فرهنگ توجه به اهمیت روزافزون ویژگی‌های اکتسابی در شکل دادن به هویت اجتماعی است (جی دان، ۱۳۸۵). اگرچه اکنون رویکرد غالب در کشورهای جهان سوم بر تاثیر ویژگی‌های انتسابی تاکید می‌ورزد، اما ویژگی‌ها و رفتارهای اکتسابی را در تعیین هویت اجتماعی افراد، که سبب تمایز میان آنان نیز می‌شود را بیشتر ارج نهاده و آن را اساس هویت اجتماعی شمرده است.

سوال اساسی تحقیق حاضر این است که منابع هویتی در هویت‌یابی جوانان در شهر دهلران به چه صورتی است؟ پاسخ به این پرسش، می‌تواند در بردارنده تحلیل و درک صحیح از مسائل فرهنگی و اجتماعی جوانان باشد. بنابراین هدف کلی از تحقیق حاضر، تعیین میزان تعلق به منابع هویتی (شخصی، خانوادگی، ملی، قومی و مذهبی) مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی در بین جوانان شهر دهلران است.

تحقق این هدف، پاسخگویی به سوالات زیر را در پی دارد:

میزان منابع هویتی در میان جوانان (پسر و دختر) چگونه است؟ آیا جنسیت می‌تواند به عنوان عامل تاثیرگذار بر منابع هویتی جهت هویت‌یابی جوانان به شمار رود؟ آیا رابطه‌ای بین

وضعیت تحصیلی جوانان و منابع هویتی شکل‌دهنده به هویت اجتماعی آنان وجود دارد؟ آیا رابطه‌ای بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و منابع هویتی شکل‌دهنده به هویت اجتماعی آنان وجود دارد؟

مروری بر پژوهش‌های پیشین

صدیق سروستانی و قادری (۱۳۸۸)، در تحقیقی پیمایشی تحت عنوان ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن (به تفکیک دانشگاه محل تحصیل) به بررسی ابعاد هویت دانشجویان پرداخته‌اند، یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌های مدرن هویت در بخش اجتماعی و فرهنگی نقش برجسته‌تری نسبت به مؤلفه‌های سنتی دارند. اما در بخش هویت سیاسی این مؤلفه‌های سنتی، یعنی گرایش به آمیختگی دین و سیاست و گرایش به اقتدارگرایی ملی و سیاسی است که در مقابل گرایش به وجود جامعه مدنی نقش برجسته‌تری در هویت دانشجویان دارد. بر اساس نتایج این تحقیق، هویت دانشجویان نه یک سازه تک بعدی (سنتی یا مدرن) بلکه سازه‌ای پیوندی متشکل از مؤلفه‌هایی از هر دو بُعد سنتی و مدرن است. در تحقیقی پیمایشی از یک نمونه ۴۰۰ نفری در بین جوانان ۱۹-۳۵ سال شهر شیراز که از نظریه آنتونی گیدنز جهت تبیین هویت مذهبی استفاده شده بود. عواملی مانند میزان جهانی‌شدن، میزان رضایتمندی سیاسی، میزان دنیاگرایی، جنس، میزان مذهبی بودن دوستان و والدین، همچنین رتبه شغلی و تحصیلات، عوامل مؤثر بر هویت مذهبی بوده‌اند. یافته‌های تحقیق نشان داد که عوامل مذکور نقش مهمی در شکل‌گیری هویت مذهبی جوانان ایفا نموده است (سروش، ۱۳۸۳). یافته‌های تحقیق جهانی‌شدن و شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی: مصرف رسانه‌های بلوچ‌های ایران و چالش‌های هویت قومی و هویت ملی نشان داده است که هویت ملی ایرانی در بین این افراد دچار بحران شده است، به طوریکه معرف رسانه‌های بلوچ‌های ایران در راستای برجسته شدن مولفه‌های هویت محلی (زبان، فرهنگ و مناسک قومی، سرزمین مشخص قومی، محرومیت‌ها و یوتوپای مشترک قومی) و هویت جهانی (تضعیف و فروپاشی ارزش‌های ایرانی - اسلامی، شیوع امر اروتیک، رواج ارزش مصرف‌گرایانه) است که منجر به تضعیف مولفه‌های هویت ملی ایرانی همچون زبان فارسی، احساس تعلق سرزمینی، احساس تعلق به ارزش‌های ایرانی و احساس تعلق به ارزش‌های اسلامی می‌شود. به بیانی دیگر مصرف رسانه‌های بلوچ‌ها، نوعی دسترسی به گفتمان غیرملی (محلی و جهانی) و هم ذات‌پنداری هویتی با آنهاست که یکی از پیامدهای آن چیزی جز بحران هویت ملی نبوده است (معیدفر و شهلی بر، ۱۳۸۶). در مطالعه‌ای که به بررسی تاثیر قواعد زبانی و تغییر آنها در هویت

اجتماعی و ملی پرداخته بود، نتایج به دست آمده آشکار نمود که، طبقات اجتماعی که براساس شاخص‌هایی از قبیل درآمد، شغل و... مشخص می‌گردند دارای اصطلاحات زبانی خاص هستند. با ذکر مثال‌هایی مانند هویت محلی در برابر هویت منطقه‌ای، هویت شهری در برابر روستایی، تبلور هویت را در زبان مورد مذاقه قرار داده و نتیجه می‌گیرد زبان یک ملت به عنوان شاخصی از تعیین هویت آن دخیل هستند (آویر، ۲۰۰۲). نتایج حاصل از تحقیق تاثیر جهانی شدن بر هویت ملی نشان داد که گسترش فرآیندهای جهانی شدن در قالب فناوری اطلاعات و ارتباطات (ماهواره و اینترنت) زمینه‌ساز تقویت هویت فروملی دانشجویان بوده است (حافظنیا و دیگران، ۱۳۸۵). همچنین نتایج پژوهش دیگری در شیراز که به بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان پرداخته، نشان داد که متغیرهای تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع، درآمد خانوار، به ترتیب بیشترین اثرات را در تبیین متغیر وابسته هویت دینی داشته‌اند و متغیرهای گستره شبکه ارتباطی، تحصیلات فرد، میزان رضایت از خود در اجتماع و اعتماد به نفس متغیرهایی هستند که به ترتیب بیشترین تاثیر را بر هویت قومی افراد داشته‌اند و متغیرهای گستره شبکه ارتباطی، تحصیلات فرد و تحصیلات پدر تاثیر بیشتری نسبت به سایر متغیرها در تبیین هویت جنسی و هویت گروهی افراد داشته است. همچنین متغیرهای تحصیلات پدر و تحصیلات مادر و تحصیلات فرد تاثیر بیشتری نسبت به سایر متغیرها در تبیین هویت ملی افراد داشته‌اند (ایمان و کیدقان، ۱۳۸۲). در پژوهشی که به بررسی نقش اقوام ایرانی در کتاب‌های درسی پرداخته است. نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که کتاب‌های درسی آینه تمام نمای سیاست‌های ایدئولوژیک، فرهنگی، دینی، سیاسی و اجتماعی می‌باشند، همچنین آنها نقش تعیین کننده‌ای در تکوین هویت‌های جمعی، قومی و ملی و دینی ایفا می‌کنند (شیخاوندی، ۱۳۸۱).

رویکردهای نظری تحقیق

محققان در زمینه هویت، معمولاً نظریه‌های هویت را برای هر دو جنس به طور مشترک به کار برده‌اند؛ اما توافق نظر قابل توجهی در زمینه مشابهت فرایند و زمان تحول هویت در هر دو جنس به چشم نمی‌خورد. بسیاری از رده‌بندی‌ها و گروبندهای نهادی براساس جنسیت صورت می‌گیرد. جنسیت فرصت‌ها و تجربیات زندگی را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد (جنکینز، ۱۳۸۱). یکی از تجارب بنیادین دوران اولیه که نقش مهمی در نحوه تشکل خود و هویت شخصی دارد تجربه اعتماد بنیادین است که ریشه در اعتماد و اطمینان به اشخاص صالح و معتبر دارد و معمولاً از نخستین تجربیات زندگی و دوران کودکی حاصل می‌شود. تجربه اعتماد

بنیادین نوعی امنیت وجودی و خوش‌بینی و اعتماد به دیگران پدید می‌آورد که به فرد امکان می‌دهد تا در رویارویی با رویدادهای ناگوار زندگی اجتماعی امیدواری و شهامت خود را حفظ کرده و مقاومت کند. همچنین خلاقیت با اعتماد بنیادین پیوندهای نزدیکی دارد. نفس اعتماد، خلاق و آفرینش‌گر است، موجب تعهدی است که حرکت به دنیای ناشناخته‌ها و دست زدن به تجربه‌های جدید را در پی دارد (گیدنز، ۱۳۷۸). افراد هر کجا نتوانند خلاقانه زندگی کنند، دچار افسردگی و نابسامانی روانی خواهند شد. نوعی محیط امیدوار کننده در اوایل زندگی به ویژه کودکی شرط لازم برای ظهور و توسعه تلاش‌های خلاق است. تحقیقات جامعه‌شناختی در کشورهای گوناگون نشان داده که برخورداری از این محیط و نحوه اجتماعی شدن برای دختران و پسران یکسان نبوده است (رید، ۱۳۸۰). همچنین نظریه‌پردازانی نظیر آدلسن و دوان معتقدند که دختران بیش از پسران در روابط بین فردی وارد می‌شوند و بنابراین به مسئله حل بحران هویت آنان باید پس از مرحله صمیمیت توجه شود و یا حداقل مسئله بحران هویت آنان در قالب ارتباط با دیگری مطرح شود (استرنبرگ، ۱۹۹۳ به نقل از صدیق سروستانی و قادری، ۱۳۸۸). در این خصوص کراس و مدسون (۱۹۹۷) معتقدند که مردان به دلیل دارا بودن برداشت مشترک از خود مستقل، بیشتر به اطلاعاتی توجه دارند که فردیت و یکتایی آنها را مشخص کند. در مقابل زنان با یک برداشت از خود همبسته، بیشتر به اطلاعات ارتباطی توجه داشته و اطلاعات را بر اساس ارتباطات بین فردی رمزگذاری می‌کنند و حافظه بی‌نظیری در مورد اطلاعات مرتبط با تعریف خود از شکل ارتباطی دارند. بنابر شواهد موجود می‌توان تفاوت‌های جنسیتی را در کلیه مراحل پردازش اطلاعات مرتبط با خود را مشاهده نمود. البته مطالعات داخلی در دهه ۸۰ (ابراهیمی، بهنویی گنده، ۱۳۸۷؛ احمدیان، ۱۳۸۵؛ بروزی، ۱۳۸۶؛ راهنما و عبدالملکی، ۱۳۸۷) که به بررسی روابط بین متغیرهای جنسیت، سطح تحصیلات و سن با وضعیت هویت‌یابی جوانان پرداخته بودند، حاکی از آن است که جنسیت افراد با وضعیت هویت‌یابی آنان رابطه‌ای معنادار دارد (صدیق سروستانی، قادری، ۱۳۸۸).

از دیدگاه برگر و لاکمن، از ویژگی‌های رویکرد برساخت‌گرایی این است که منابع هویتی را نه در جهان مطلق و انتزاعی و نه در جهان زبانی بلکه در جهان واقعی می‌جوید. یکی دیگر از مفروضات این چهارچوب نظری، چند بعدی بودن هویت‌هاست. بر اساس نظریه برگر، جهان‌پاساسنتی (مدرن) جهان چندگانه شدن قلمروهای عمومی و خصوصی است. این چندگانگی زیست‌جهانی در زندگی روزمره فرد حضور پیدا می‌کند و برنامه‌ریزی‌های متکثر از سوی وی را سبب می‌شود. در این برنامه‌ریزی هویت فرد نیز لحاظ می‌شود، زیرا فرد در برنامه‌ریزی بلندمدت زندگی خود در زمینه اینکه چه کسی خواهد بود، برنامه‌ریزی می‌کند. مرکزیت این برنامه‌ریزی

معنایی است که او به زندگی نامه خویش و نیز معانی فراگیر جامعه نسبت می‌دهد که همگی به بروز پیامدهای بسیار مهم هویتی برای فرد می‌انجامند. در اینجا فرد هویت را از طریق تعریف خود به دست می‌آورد، بنابراین هویت، بخشی از یک ساختار معین آگاهی است به علاوه انسان به هویتی علاقمند است که توسط دیگران تأیید می‌شود (برگر و دیگران، ۱۳۸۱).

تاجفل یکی از نظریه‌پردازان هویت اجتماعی است. اساس نظریه او توجه به جنبه‌هایی از هویت است که از عضویت گروهی ناشی می‌شود. به نظر وی، اجتماع از افرادی تشکیل شده است که با هم بر اساس پایگاه و قدرتشان رابطه دارند و ساختار این ارتباطات گروهی برای شکل‌بندی هویت دارای اهمیت است. از نظر تاجفل هویت اجتماعی عبارت است از یک خود مفهومی ناشی از عضویت درون گروهی در یک گروه اجتماعی همراه با احساسات، ارزش‌ها و تماس‌های عاطفی با دیگر اعضا که این احساس باعث تعلق فرد به گروه شده و باعث می‌شود که خود را در دسته‌بندی‌های اجتماعی، وابسته به گروه خود معرفی کند. تاجفل همچنین معتقد است که هویت بین اعضای گروه‌های با پایگاه بالاتر، قوی‌تر از گروه‌های با پایگاه پایین است و این به خاطر این است که اعضای گروه‌های بالاتر یک هویت مثبت را در داخل گروه خود کسب کرده‌اند. لذا این نظریه بیان می‌کند که هویت اجتماعی افراد به وسیله گروهی که به آن تعلق دارد تعیین می‌شود و این هویت تابعی از ویژگی‌های فرهنگی آن گروه است و مبتنی بر تفسیر درون گروه و برون گروه است، تاجفل معتقد است که هویت اجتماعی در یکی از همین فرآیندهای درونی کردن مقوله‌بندی‌های اجتماعی پدید می‌آید (تاجفل، ۱۹۸۲). به طور کلی در شکل‌دهی به هویت، تعریفی که فرد از خودش و هویت جمعی خودش می‌کند و تعریفی که از دیگران می‌کند و آنچه از تعریف دیگران در رابطه با خودش برداشت می‌کند، همه نقش اساسی دارند. لذا پویایی، صفت اساسی هویت است. در این رابطه گورن و تاون سند معتقدند که خویشتنی بر دو بخش اساسی دلالت دارد، اولی مبتنی بر آگاهی فرد از عضویت و مفهوم تعلق به یک مقوله خاص است و دومی مبتنی بر جهان بینی و آگاهی او از موقعیت آن مقوله خاص در جامعه گسترده‌تر است. به طوریکه هویت اجتماعی را می‌توانیم به معنی ترکیبی پویا از هوی و پیکره‌ای هوشیار از عقاید در نظر بگیریم، که در این مفهوم "خود و جامعه" از طریق محوریت هویت گروهی، در مفهوم خود با شباهت‌های درک شده و ویژگی‌های مشخص اعضا گرده و نوعی آگاهی از تقدیر مشترک، به شیوه‌ای که اعضا گرده در جامعه عمل می‌کنند، به هم پیوسته‌اند (چرنی، ۲۰۰۱). چشم‌انداز کنش متقابل نمادین، در اصل بر روی چگونگی اجتماعی شدن فرد و چگونگی تشکیل خود تمرکز نموده است. مطابق با این نظریه زندگی اجتماعی مستلزم نوعی ارتباط است و یک چنین ارتباطاتی تا اندازه زیادی نمادین

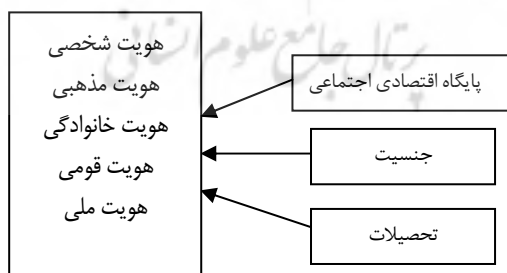
هستند و ماهیت کنشگران نیز در طی کنش متقابل شکل می‌گیرد. همچنین بر اساس این دیدگاه قسمت اعظم برداشت‌ها و تصورات ما از خویشتن به نوعی به تصور و برداشت دیگران از ما وابسته است. به عقیده گیدنز، هویت انسان در کنش متقابل با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند. هیچکس دارای هویت ثابتی نیست. هویت سیال و همواره در حال ایجاد شدن و عوض شدن است. گیدنز بین هویت شخصی و اجتماعی تفاوتی قائل نشده است و معتقد است که «هویت شخصی چون در جریان اجتماعی شدن ساخته می‌شود خود نوعی هویت اجتماعی است. او معتقد است که هویت شخصی را باید خلق و تقریباً به طور مداوم آن را با توجه به تجربیات گاه متناقض زندگی روزمره و گرایش‌های تقطیع‌کننده نهادهای امروزی مورد تنظیم و تجربه قرار داد. در مدل نظری گیدنز از هویت اجتماعی سه عامل اعتماد بنیادین، ویژگی‌های فردی و جامعه‌پذیری نقش اساسی دارند. اعتماد بنیادین، خود از طریق عادی شدن تماس‌ها، توانایی عقلانی کردن امور و تفسیر موفقیت‌آمیز فرد از کنش خود بر تعداد کنش‌های موفق ویژگی‌های فرد لذا جامعه‌پذیری مدرن باعث کثرت محیط اجتماعی از یک طرف و تنوع مراجع از طرف دیگر می‌شود که این دو باعث ایفای نقش‌های گوناگون می‌شوند. این عامل‌ها به صورت هم‌عرض بر میزان انگیزه برای کنش بعدی فرد مؤثر بوده و در نتیجه هویت اجتماعی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند (گیدنز، ۱۳۸۱).

همچنین زمینه‌های ساختاری و فرهنگی در شکل‌گیری و باز تعریف هویت فردی و اجتماعی مؤثرند. در دوران معاصر تحت تأثیر جریان‌ات‌نوسازی و نوگرایی هم‌بازاندیشی بیشتری در کنش‌ها و هویت‌های انسانی صورت می‌گیرد و هم‌نهادها و سازمان‌های مدرن و رده‌بندی‌های مستتر در آنها نقش مؤثری در تحمیل هویت‌های بیرونی ایفا می‌کنند. اما افراد در تعدیل این تأثیرات و مقاومت در برابر عوامل ساختاری و فرهنگی و بازسازی هویت‌های فردی و اجتماعی نقش فعالانه‌ای ایفا می‌کنند. بنابراین از آنجا که هویت‌یابی جریان‌ی دیالکتیکی و دوسویه است، در تحلیل هویت باید در کنار عوامل اجتماعی مؤثر بر نحوه تشکیل خود و هویت شخصی، هم‌رده‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌های نهادی و تخصیص آمرانه هویت‌ها به افراد را مطالعه کرد و هم‌چگونگی تفسیر، برخورد و مقابله افراد با این رده‌بندی‌ها را مورد بررسی قرار داد. به ویژه مقاومت افراد در برابر رده‌بندی‌های کلیشه‌ای که غالباً مبتنی بر معیارهای انتسابی مانند جنسیت، سن، قومیت و طبقه اجتماعی است (جنکینز، ۱۳۸۱). گیدنز معتقد است که شرط اساسی شکل‌گیری هویت شخصی، استقرار اعتماد بنیادین است. هویت شخصی را نمی‌توان برحسب ماندگاری‌اش در زمان مورد توجه قرار داد، بلکه هویت برخلاف خود به عنوان پدیده‌ای عام مستلزم آگاهی بازتابی است. هویت در واقع همان چیزی است که فرد به آن آگاهی دارد.

در واقع هویت شخصی چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد در اختیار او گذاشته می‌شود، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خود مورد حمایت و پشتیبانی قرار دهد. هویت شخصی در حقیقت همان خود است که شخص آن را به عنوان بازتابی از زندگینامه‌اش می‌پذیرد. محتوای هویت شخصی یا به عبارت دیگر، ویژگی‌های که زندگینامه شخصی از آنها ساخته می‌شود مانند دیگر عرصه‌های وجودی از نظر اجتماعی و فرهنگی متغیر است. این موضوع از نظر ارزیابی هویت شخصی در عصر تجدد اهمیتی بنیادین دارد. (گیدنز، ۱۳۸۱).

چارچوب نظری این تحقیق ملهم از آرای جامعه‌شناسان معاصر آنتونی گیدنز و ریچارد جنکینز است. که بر اساس آن رابطه جنسیت، تحصیلات و پایگاه اقتصادی - اجتماعی را با هویت جوانان (شخصی، خانوادگی، مذهبی، ملی و قومی) مورد بررسی قرار داده و به تبیینی جامعه‌شناختی از منابع هویتی که در شکل‌گیری هویت اجتماعی جوانان مؤثر است، پرداخته است. این متفکران در مورد هویت شخصی و اجتماعی نظریه‌پردازی کرده و تلاش نموده‌اند در تحلیل هویت بر شکاف میان فرد و جامعه و کنش و ساختار ارتباط برقرار نمایند و فرایندهای هویت‌یابی و هویت‌سازی در دوران مدرن را با در نظر گرفتن تاثیرات دو سویه افراد و ساختارهای اجتماعی تبیین کنند. بر اساس این دیدگاه نظری، هویت اجتماعی مبتنی بر خویشتن، متغیر و واجد درجه‌ای از تاملی بودن است. "خود" یک هویت اجتماعی اولیه و بنیادی و الگویی برای فهم همه هویت‌های بعدی است و جنسیت در نحوه تشکیل خود نقشی تعیین کننده دارد، زیرا به تجربه فرد سامان می‌بخشد و آن را در خویشتن ادغام می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱).

بر اساس رویکرد نظری می‌توان مدل تجربی زیر را ارائه نمود:



فرضیات تحقیق

- بین جنسیت افراد و هویت گروهی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین جنسیت افراد و هویت مذهبی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین جنسیت افراد و هویت شخصی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین جنسیت افراد و هویت قومی رابطه وجود دارد.
 - بین جنسیت افراد و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین جنسیت افراد و هویت خانوادگی رابطه وجود دارد.
 - بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و هویت گروهی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و هویت قومی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و هویت ملی رابطه وجود دارد.
 - بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و هویت خانوادگی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و هویت شخصی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد و هویت مذهبی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین میزان تحصیلات افراد و هویت گروهی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین میزان تحصیلات افراد و هویت شخصی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین میزان تحصیلات افراد و هویت خانوادگی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین میزان تحصیلات افراد و هویت مذهبی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین میزان تحصیلات افراد و هویت ملی آنها رابطه وجود دارد.
 - بین میزان تحصیلات افراد و هویت قومی آنها رابطه وجود دارد.
- بر این اساس، متغیرهای مستقل عبارت‌اند از: جنسیت، تحصیلات، پایگاه اقتصادی - اجتماعی و متغیرهای وابسته عبارت‌اند از: هویت‌های دینی، ملی، قومی، شخصی، خانوادگی و گروهی که تشکیل‌دهنده هویت اجتماعی می‌باشند.

تعریف مفاهیم

هویت

هویت، در مقوله شخصیت، به معنای خود اساسی و مستمر فرد و مفهوم درونی و ذهنی است که او از خویش به عنوان یک شخص دارد. بر همین اساس، معمولاً کیفیت و ویژگی‌های شخص، مثل هویت فردی، هویت جنسی، هویت شغلی، هویت اجتماعی، هویت اخلاقی، هویت فرهنگی،

هویت دینی و هویت ملی مشخص می‌شود.

هویت اجتماعی

هویت اجتماعی با معناداری سروکار دارد و در آن جا معانی ذاتی اشیا نیست. بر پی آمد یا برآیند سازگاری و ناسازگاری است و همیشه موضوعی برای گفت و گو یا نوآموزی است. بر این اساس ما نمی‌توانیم هویتی پایدار داشته باشیم، بلکه در طول زمان هویت ما دگرگون می‌شود. از این روست که هویت فرآیندی دانسته می‌شود که نه تنها یگانه نیست بلکه هر فرد چندین هویت دارد، هویت را می‌توان به فردی و جمعی بخش‌بندی نمود؛ تفاوت عمده این دو در این است که اولی بر تفاوت‌ها و دومی بر همانندی‌ها تاکید دارد، به عبارت دیگر، هویت فردی یکتا و هویت جمعی پدیده همگانی است. از طرفی هویت اجتماعی شخص، هیچ‌گاه تمام شده نیست و مدام در معرض تغییر و تحول و بازنگری است (جنکینز، ۱۹۹۶).

بنابراین هویت جمعی حوزه و قلمرویی از حیات اجتماعی که ضمیر "ما" است؛ که خود را متعلق، منتسب و مدیون بدان می‌داند و در برابر آن احساس تعهد، تقید و تکلیف می‌کند، مانند "ما ایرانیان، ما مسلمانان، ما انسان‌ها و..." اما این که در مرحله نخست خود را با کدامیک از این هویت‌ها می‌شناسانیم و در برابر آن احساس تعهد و تکلیف می‌نمائیم، هویت جمعی ما را نشان می‌دهد.

هویت شخصی

"خود" صورتی است که شخص آن را به طور بازتابی و برحسب زندگینامه رسمی خویش درک می‌کند هویت شخصی بر تفاوت‌ها تأکید دارد (گیدنز، ۱۳۸۱).

هویت خانوادگی

هویت خانوادگی فرد؛ به خصوصیات، ویژگی‌ها، برداشت‌ها و تفکرات شخص نسبت به خانواده‌اش اطلاق می‌شود.

هویت ملی و هویت مذهبی

هویت ملی، تثبیت موقعیت یک ملت یا خود ملی در مقابل غیرملی یا خارجی است (اسمیت، ۱۹۹۱). بر این اساس می‌توان گفت هویت ملی نوعی پایبندی، دلبستگی و تعهد به اجتماع ملی است. به عبارت دیگر هویت ملی تعلق فرد را به جامعه ملی یا دولت - ملت مشخص می‌کند. به زعم مارتین بارت، هویت ملی از مجموعه شناخت و باور راجع به گروه ملی و مجموعه عواطف و احساسات و ارزیابی‌ها در مورد گروه ملی تشکیل می‌شود (بارت، ۱۳۸۱). همچنین کیلر، ساختار اعتقادی، میراث ملی، همگنی فرهنگی و قوم محوری را چهار بعد هویت ملی

می‌داند (کیلر، ۱۹۹۹) هویت سالم دینی اساساً بر باورهای قدسی جاودانه، خیرطلبی و اخلاق انسانی، عقلانیت و واقع‌بینی و عمل به موازین و رهنمودهای اصیل دینی تکیه دارد.

هویت قومی

هویت قومی به عنوان احساس تعلق به گروه قومی، بخشی از تفکر، ادراکات، احساسات و رفتاری که مقتضی اعضای گروه قومی است (کارمن، ۱۹۹۸)، به عبارتی هویت قومی می‌تواند از عوامل نژادی، زادگاه، نمادی و فرهنگی تاثیر پذیرد (مایکل و استیو، ۱۹۹۶). به عقیده گار، اساساً هویت قومی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که با افراد یک گروه قومی به واسطه تعلقشان به آن گروه، رفتاری تبعیض آمیز در مقایسه با گروه‌های دیگر صورت گیرد؛ یعنی یک گروه قومی، به دلیل قومیت خود در معرض سرکوب، آزار یا محرومیت از برخی حقوق و مزایا قرار بگیرند (قاسمی، ۱۳۸۱).

پایگاه اقتصادی-اجتماعی

جایگاه و موقعیتی که هر فرد در ساختار اجتماعی از نظر میزان برخورداری از عواملی که در آن جامعه با ارزش تلقی می‌شود به خود اختصاص داده است که از سه شاخص بنیادی (درآمد، شغل، سطح تحصیلات) برای تشخیص آن استفاده می‌شود (بیرو، ۱۳۷۵). در این پژوهش برای تعیین پایگاه اقتصادی-اجتماعی جوانان از شاخص‌های درآمد خانواده، شغل پدر و مادر و میزان تحصیلات پدر و مادر استفاده شده است.

روش پژوهش

روش این پژوهش، پیمایشی (توصیفی - تحلیلی) است. که از پرسشنامه محقق ساخته برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است.

جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

در این تحقیق کلیه دانش‌آموزان دوره دبیرستان شهر دهلران که در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ مشغول به تحصیل هستند (اعم از دختر و پسر)، جامعه آماری ما را تشکیل می‌دهند. که تعداد آنها ۲۶۴۱ نفر بوده و از طریق فرمول کوکران ۲۱۵ نفر از آنها به عنوان نمونه تعیین شدند. چون تعداد دو جنس دختر و پسر در جامعه آماری به تعداد مساوی بودند، این میزان نیز در حجم نمونه رعایت شد. جهت تعیین نمونه از دو روش نمونه‌گیری غیراحتمالی سهمیه‌ای و نمونه‌گیری احتمالی با در نظر گرفتن تعداد ۱۵ دبیرستان و موقعیت جغرافیایی آنها در شهر دهلران استفاده شده است.

ابزار پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و روش تحقیق برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات از پرسشنامه استفاده شد. به دلیل فقدان پرسشنامه استاندارد شده در ارتباط با موضوع پژوهش، بر مبنای اطلاعات حاصل از منابع مربوط به موضوع، پرسشنامه محقق ساخته‌ای تنظیم شد که اکثر سوالات آن در قالب طیف لیکرت پنج قسمتی طراحی شده بود. پس از جمع‌آوری داده‌ها، از نرم‌افزار کامپیوتری SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در واقع بررسی‌های توصیفی، اطلاعات و آمارهای ساده‌ای را ارائه می‌نماید که بر مبنای آنها می‌توان به شناخت مناسب‌تر از جامعه مورد مطالعه و همچنین تحلیل‌های تبیینی ارزشمندی دست یافت. که در تحقیق حاضر از آن استفاده شده است. از این رو، داده‌های پرسشنامه در دو سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در سطح توصیفی از شاخص‌های فراوانی، درصد فراوانی و درصد تراکمی و نیز شاخص‌های تمایل به مرکز از جمله میانگین و همچنین شاخص‌های پراکندگی همانند، انحراف معیار و دامنه تغییرات پرداخته شد. در سطح استنباطی نیز به منظور آزمون روابط میان متغیرها و حسب نیاز این تحقیق از آزمون T و آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون، برای سنجش فرضیه‌ها استفاده شده است. به منظور تعیین اعتبار و روایی تحقیق، اعتبار صوری در نظر گرفته شد در این تحقیق برای سنجش پایایی ابزار تحقیق (پرسشنامه) از روش آلفای کرونباخ و ماتریس همبستگی بین گویه‌ها استفاده گردیده است.

جدول ۱: ضریب آلفای کرونباخ به تفکیک هویت‌ها

ردیف	طیف	تعداد گویه	ضریب آلفا
۱	هویت قومی	۳	۰/۷۷
۲	هویت شخصی	۵	۰/۷۳
۳	هویت گروهی	۵	۰/۷۱
۴	هویت ملی	۸	۰/۷۰
۵	هویت خانوادگی	۵	۰/۶۷
۶	هویت مذهبی	۵	۰/۶۶

یافته‌های تحقیق

هویت اجتماعی متغیر وابسته ما بوده و سن، جنس، وضعیت تحصیلی، پایگاه اقتصادی-اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، تعلق به خانواده، تعلق به همسالان و تعلق به مدرسه

متغیرهای مستقل را تشکیل می‌دهند.

هویت اجتماعی به ویژگی‌ها و اندیشه‌هایی اشاره می‌کند که فرد آنها را از طریق اشتراک اجتماعی و عضویت در گروه‌ها و مقولات اجتماعی کسب می‌کند. این گروه‌ها و مقوله‌ها شامل نژاد، مذهب، قومیت، ملیت، جنسیت و غیره می‌شود (جنکینز، ۱۳۸۱). مهمترین شاخصه‌های آن عبارتند از: علاقه به کشور و فرهنگ خود، افتخار به ایرانی بودن، کمک به مردم، تقید به زبان و ادبیات کشور خود و تقید به موسیقی سنتی کشور خود است. بیشترین پاسخگویان ۸۶/۱ درصد در سنین ۱۵-۱۷ سال بوده و کمترین میزان ۶/۵ درصد متعلق به سنین ۱۳ و ۱۴ ساله و ۲۸ درصد نیز به سنین ۱۸ و ۱۹ ساله تعلق داشت. بر حسب قومیت ۶۰ درصد پاسخگویان کرد و ۲۸/۸ درصد لر و ۸/۸ درصد عرب و ۲/۳ درصد از سایر قومیت‌ها بوده‌اند. از نظر میزان تحصیلات پدر پاسخگویان، بی‌سواد و ابتدایی ۴۴/۶ درصد، ۲۹/۸ درصد متوسطه و دیپلم و ۲۵/۶ درصد فوق‌دیپلم، لیسانس و بالاتر. بنابراین یافته‌ها حاکی از آن است که بالاترین میزان، سطح تحصیلات پدر پاسخگویان به بی‌سواد و ابتدایی و کمترین آن به سطوح عالی تحصیلات تعلق دارد. همچنین بر حسب میزان تحصیلات مادر پاسخگویان ۶۵/۱ درصد بی‌سواد و ابتدایی، ۲۳/۸ درصد متوسطه و دیپلم و ۱۱/۲ درصد فوق‌دیپلم، لیسانس و بالاتر بوده‌اند. داده‌ها نشان‌دهنده میزان کم سوادی و بی‌سوادی بیشتر در مادران پاسخگویان بوده است. بر حسب شغل پدر پاسخگویان، ۴۷/۶ درصد کشاورز و کارگر، ۴۲/۳ درصد شغل آزاد، ۷/۹ درصد کارمند و ۵/۱ درصد بیکار بوده‌اند. در خصوص اشتغال مادران پاسخگویان ۸۴/۲ درصد خانه‌دار و ۱۵/۸ درصد شاغل بوده‌اند.

جدول ۲: گویه‌های مربوط به منابع مختلف هویت

منابع هویتی	شاخص
هویت شخصی	اعتماد به نفس احساس ناراحتی
هویت مذهبی	اعتقاد و باور احساس آرامش احساس عزت نفس
هویت قومی	مفخر قومی احساس محرومیت نسبی
هویت گروهی	احساس همگرایی احساس بی‌اعتمادی
هویت خانوادگی	احساس همبستگی احساس آرامش
هویت ملی	احساس افتخار احساس ناامیدی

جدول ۳: آزمون T هویت ملی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	T میزان	سطح معنی داری
زن	۱۰۶	۳۳/۲۸	۲۱۳	۲/۷۸	۰/۰۰۶
مرد	۱۰۹	۳۱/۶۶			

جدول شماره ۳، آزمون معنی داری تفاوت میانگین نمره هویت ملی بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین نمره دختران ۱/۶۲ بیش از میانگین نمره پسران است. این نتایج با توجه به میزان T به دست آمده در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، از این رو می‌توان گفت تمایل دختران به هویت ملی بیشتر از پسران است.

جدول ۴: آزمون T هویت خانوادگی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	T میزان	سطح معنی داری
زن	۱۰۶	۲۲	۲۱۳	۱/۲۸۸	۰/۰۴۹
مرد	۱۰۹	۲۱/۶۵			

جدول شماره ۴، آزمون معنی داری تفاوت میانگین نمره هویت خانوادگی بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین نمره دختران ۰/۳۵ بیش از میانگین نمره پسران است. این نتایج با توجه به میزان T به دست آمده در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار است، از این رو می‌توان گفت تمایل دختران به هویت خانوادگی بیشتر از پسران است.

جدول ۵: آزمون T هویت گروهی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	T میزان	سطح معنی داری
زن	۱۰۶	۱۸/۹۷	۲۱۳	۱/۱۱۸	۰/۲۶۳
مرد	۱۰۹	۱۹/۰۷			

جدول شماره ۵، آزمون معنی داری تفاوت میانگین نمره هویت گروهی بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین نمره دختران ۰/۰۱ کمتر از میانگین نمره پسران است. این نتیجه با توجه به میزان T به دست آمده در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار نیست، از این رو می‌توان گفت که میزان تمایل دختران و پسران در گرایش به هویت گروهی، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند.

جدول ۶: آزمون T هویت قومی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	T میزان	سطح معنی داری
زن	۱۰۶	۱۲/۹۶	۲۱۳	-۱/۱۴۲	۰/۲۵۵
مرد	۱۰۹	۱۳/۴۵			

جدول شماره ۶، آزمون معنی داری تفاوت میانگین نمره هویت قومی بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین نمره دختران ۰/۴۹ کمتر از میانگین نمره پسران است. این نتیجه با توجه به میزان T به دست آمده در سطح ۹۵ درصد معنی‌دار نیست، از این

رو می‌توان گفت بین دختران و پسران تفاوت زیادی در میزان گرایش به هویت قومی دیده نمی‌شود.

جدول ۷: آزمون T هویت مذهبی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	T میزان	سطح معنی‌داری
زن	۱۰۶	۳۲/۰۷	۲۱۳	۳/۹۱۱	۰/۰۰۰
مرد	۱۰۹	۲۹/۷۷			

جدول شماره ۷، آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره هویت مذهبی بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین نمره دختران ۳/۳ بیش از میانگین نمره پسران است. این نتایج با توجه به میزان T به دست آمده در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، از این رو می‌توان گفت تمایل دختران به هویت مذهبی بیشتر از پسران است.

جدول ۸: آزمون T هویت شخصی بر حسب جنسیت

جنسیت	تعداد	میانگین	درجه آزادی	T میزان	سطح معنی‌داری
زن	۱۰۶	۲۲/۸۳	۲۱۳	۴/۰۳۴	۰/۰۰۰
مرد	۱۰۹	۲۰/۲۷			

جدول شماره ۸، آزمون معنی‌داری تفاوت میانگین نمره هویت شخصی بر حسب جنسیت را نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، میانگین نمره دختران ۲/۵۶ بیش از میانگین نمره پسران است. این نتایج با توجه به میزان T به دست آمده در سطح ۹۹ درصد معنی‌دار است، از این رو می‌توان گفت تمایل دختران به هویت شخصی بیشتر از پسران است.

جدول ۹: آزمون ضریب همبستگی بین پایگاه اقتصادی و اجتماعی با منابع هویتی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معنی‌داری
هویت شخصی	۰/۰۰۲	۰/۹۷۹
هویت مذهبی	-۰/۰۴۹	۰/۴۷۵
هویت قومی	-۰/۱۹۴	۰/۰۰۴
هویت گروهی	-۰/۱۰۴	۰/۱۲۹
هویت خانوادگی	-۰/۰۵۹	۰/۳۹۲
هویت ملی	۰/۰۲۳	۰/۷۳۷

با توجه به سطح سنجش متغیرها، برای آزمون رابطه بین منابع مختلف هویتی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. نتایج حاصل از این آزمون در جدول شماره ۹، نشان می‌دهد که گونه‌های مختلف هویتی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی همبستگی دارند. بر این اساس، میزان همبستگی آماری بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی و هویت قومی جوانان حدود ۰/۱۹- است که نشان‌دهنده همبستگی منفی بین دو متغیر است و همبستگی این دو متغیر از لحاظ آماری معنی‌دار است. بنابراین، می‌توان گفت با بالا رفتن پایگاه اقتصادی - اجتماعی، گرایش به هویت قومی کاهش می‌یابد.

بین دیگر منابع هویتی از جمله هویت شخصی و هویت ملی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی همبستگی مثبت و ضعیف بین دو متغیر وجود داشته اما همبستگی مذکور با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، معنادار نیست. یعنی هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالاتر برود، هویت شخصی و هویت ملی کاهش می‌یابد. همچنین همبستگی بین هویت مذهبی، خانوادگی و گروهی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی منفی و ضعیف بوده و با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، معنادار نیستند.

جدول ۱۰: آزمون ضریب همبستگی بین وضعیت تحصیلی با منابع هویتی

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون (r)	سطح معنی‌داری
هویت شخصی	۰/۲۵۵	۰/۰۰۰
هویت مذهبی	۰/۲۳۱	۰/۰۰۱
هویت قومی	-۰/۰۳۸	۰/۵۸۳
هویت گروهی	۰/۰۴۲	۰/۵۴۴
هویت خانوادگی	۰/۰۰۳	۰/۹۶۸
هویت ملی	۰/۱۲۸	۰/۰۶۱

جدول ۱۰، آزمون ضریب همبستگی بین میزان تحصیلات پاسخگویان با منابع مختلف هویتی را نشان می‌دهد. ضریب همبستگی بین وضعیت تحصیلی و هویت شخصی ۰/۲۵۵ بوده که نشان می‌دهد همبستگی بین دو متغیر مثبت و ضعیف بوده و با توجه به سطح معناداری مشاهده شده، همبستگی مذکور معنادار است. بدین معنی که هرچه وضعیت تحصیلی فرد بهبود یابد، هویت شخصی جوانان پررنگ‌تر می‌شود. همچنین ضریب همبستگی بین وضعیت تحصیلی و هویت مذهبی جوانان ۰/۲۳۱ بوده که نشان می‌دهد همبستگی بین دو متغیر مثبت و ضعیف بوده و با توجه به سطح معناداری مشاهده شده، همبستگی مذکور معنادار است. بدین معنی که هرچه وضعیت تحصیلی فرد بهبود یابد هویت مذهبی جوانان پررنگ‌تر می‌شود. همچنین همبستگی بین وضعیت تحصیلی و هویت قومی منفی و ضعیف بوده و با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، معنادار نیست. یافته‌های تجربی، نشان می‌دهند همبستگی بین وضعیت تحصیلی و هویت گروهی مثبت و در حد ضعیف بوده و با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، معنادار نیست. همچنین همبستگی بین وضعیت تحصیلی و هویت خانوادگی ۰/۰۰۳ بوده که نشان می‌دهد همبستگی بین دو متغیر مثبت و ضعیف است و با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، معنادار نیست. همچنین همبستگی بین وضعیت تحصیلی و هویت ملی ۰/۱۲۸ بوده که نشان می‌دهد، همبستگی بین دو متغیر مثبت و بسیار ضعیف است و با توجه به سطح معنی‌داری مشاهده شده، معنادار نیست.

جدول ۱۱: آماره‌های مربوط به متغیرهای وارد شده به معادله رگرسیون هویت اجتماعی

نام متغیرها	معنی داری	T	Betal	Bخطای معیار	B
هویت ملی	۰/۷۴۴	۱/۳۲۷	۰/۲۵	۰/۰۹۲	۰/۰۳۵
هویت قومی	۰/۴۹۵	۱/۶۸۳	۰/۰۴۸	۰/۱۶۶	۰/۱۱۳
هویت گروهی	۰/۵۰۰	۳/۶۱۹	۰/۲۵۸	۰/۱۱۸	۰/۴۲۵
هویت شخصی	۰/۱۴۱	۱/۴۶۷	۰/۱۲۶	۰/۱۰۳	۰/۱۵۲
هویت مذهبی	۰/۰۱۶	۲/۴۳۸	۰/۱۷۷	۰/۳۱۵	۰/۵۲۴
هویت خانوادگی	۰/۱۳۲	۱/۵۱۴	۰/۱۰۹	۰/۴۱۱	۰/۶۲۳

چنانکه در معادله رگرسیون استاندارد شده هویت اجتماعی دیده می‌شود، متغیرهای هویت گروهی و هویت مذهبی، بیشترین سهم در تبیین هویت اجتماعی داشته‌اند. به عنوان مهمترین عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی جوانان شناخته شدند.

نتیجه‌گیری

اهمیت هویت در جهان امروز به دلیل موقعیت خاصی است که فرایند جهانی شدن به وجود آورده است و گروه‌های اجتماعی از آن هراس بیشتری دارند که در آن حل شده و دچار سردرگمی شوند. از این رو هویت و جماعت‌های هویتی تبدیل به پناهگاه‌هایی می‌شوند که یک فرد یا یک گروه می‌تواند خود را در برابر خطر زوال زیر امواج قدرتمند جهانی شدن مصون نگه داشته یا لاقلاً این طور احساس کند و از هراس خود نسبت به این امر بکاهد. از سوی دیگر، افزایش ارتباطات جهانی و پدیده جهانی شدن، باعث ایجاد تغییرات فرهنگی بسیاری در جوامع مختلف شده است. رواج ارزش‌های گوناگون و قرار گرفتن در معرض اندیشه‌ها و گرایش‌های مختلف، انسان امروزی را چنان دچار از خود بیگانگی کرده که خود را به فراموشی سپرده است (گل محمدی، ۱۳۸۰). اهمیت و رواج فزاینده سازه هویت اجتماعی و مضامین مربوط به آن در دوره معاصر، ناشی از واقعیتی است که دوران گذار - حرکت از جامعه سنتی به جامعه مدرن - نامیده می‌شود؛ دوره‌ای که موجب تغییرات شدید هویتی شده است. در جوامع سنتی، هویت اجتماعی افراد و گروه‌ها مبتنی بر ویژگی‌های انتسابی است؛ اما در جوامع مدرن، ویژگی‌ها و رفتارهای فردی که خود افراد آنها را کسب کرده‌اند، مبنای هویت اجتماعی آنان به شمار می‌رود. از این رو در جامعه معاصر، جهت‌گیری جامعه‌شناسی فرهنگ^۱، توجه به اهمیت روزافزون ویژگی‌های اکتسابی در شکل دادن به هویت‌های اجتماعی است (جی دان، ۱۳۸۵ به نقل از ابراهیمی و بهنوئی گنده ۱۳۸۷). بر همین اساس نتایج تجربی به دست آمده از تحقیق حاضر نشان می‌دهد که تفاوت میانگین نمره هویت ملی بر حسب جنسیت، دختران ۱/۶۲ بیش از پسران بوده که برحسب آماره‌ها ($T=۲/۷۸$ و $sig=۰/۰۰۶$) معنی‌دار است و بدین ترتیب، تمایل

دختران به هویت ملی را بیشتر از پسران نشان می‌دهد. میزان همبستگی بین تحصیلات و هویت ملی ۰/۱۲۸ با سطح معنی‌داری ۰/۰۶۱ و میزان همبستگی هویت ملی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۰/۰۲۳ با سطح معنی‌داری ۰/۷۳۷ نشان می‌دهد که همبستگی بین متغیرها مثبت و ضعیف بوده ولی معنی‌دار نیست. تفاوت میانگین نمره هویت خانوادگی بر حسب جنسیت دختران ۰/۰۳۵ بیش از پسران بوده که بر حسب آماره‌ها ($T=1/288$ و $sig=0/049$) معنی‌دار است. از این رو می‌توان گفت تمایل دختران به هویت خانوادگی بیشتر از پسران است. همچنین همبستگی بین هویت خانوادگی با میزان تحصیلات ۰/۰۰۳ با سطح معنی‌داری ۰/۹۶۸ مثبت و ضعیف بوده و معنی‌دار نیست و میزان همبستگی هویت خانوادگی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۰/۰۵۹- با سطح معنی‌داری ۰/۳۹۲ حاکی از منفی و ضعیف بودن رابطه بین دو متغیر بوده و معنی‌دار نیستند.

نمره هویت گروهی، دختران ۰/۰۱ کمتر از پسران است. که بر حسب آماره‌ها ($sig=0/263$) و ($T=1/118$) معنی‌دار نیست، بنابراین میزان تمایل دختران و پسران در گرایش به هویت گروهی، تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند. همچنین همبستگی بین هویت گروهی با تحصیلات ۰/۰۴۲ با سطح معنی‌داری ۰/۵۴۴ مثبت و ضعیف بوده و معنی‌دار نیست. به علاوه همبستگی بین هویت گروهی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۰/۱۰۴- با سطح معنی‌داری ۰/۱۲۹ منفی و ضعیف بوده و معنی‌دار نمی‌باشد؛ نمره هویت قومی دختران ۰/۰۴۹ کمتر از پسران است که بر حسب آماره‌ها ($T=-1/142$ و $sig=0/255$) معنی‌دار نیست، از این رو می‌توان گفت بین دختران و پسران تفاوت زیادی در میزان گرایش به هویت قومی دیده نمی‌شود. همچنین همبستگی بین وضعیت تحصیلی و هویت قومی ۰/۰۳۸- با سطح معنی‌داری ۰/۵۸۳ منفی و ضعیف بوده و معنی‌دار نیست. میزان همبستگی بین هویت قومی جوانان و پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۰/۱۹۴- با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۴ نشان‌دهنده همبستگی منفی بین دو متغیر و معنی‌دار بودن آنها است. بنابراین، با بالا رفتن پایگاه اقتصادی - اجتماعی، گرایش به هویت قومی کاهش می‌یابد. تفاوت میانگین نمره هویت مذهبی بر حسب جنسیت، دختران ۳/۳ درصد بیش از پسران است که بر حسب آماره‌ها ($T=3/911$ و $sig=0/000$) معنی‌دار است. از این رو می‌توان گفت تمایل دختران به هویت مذهبی بیشتر از پسران است. همچنین همبستگی بین هویت مذهبی با میزان تحصیلات ۰/۲۳۱ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۱ مثبت و ضعیف بوده و معنی‌دار است. بنابراین هرچه وضعیت تحصیلی فرد بهبود یابد هویت مذهبی جوانان پررنگ‌تر می‌شود. و میزان همبستگی هویت مذهبی و پایگاه اقتصادی - اجتماعی ۰/۰۴۹- با سطح معنی‌داری ۰/۴۷۵ حاکی از منفی و ضعیف بودن رابطه بین دو متغیر بوده و معنی‌دار نیستند.

میانگین نمره هویت شخصی دختران ۲/۵۶ بیش از پسران است. که برحسب آماره $\text{sig} = 0/000$ و $T = 4/034$ معنی‌دار است. بر این اساس، تمایل دختران به هویت شخصی بیشتر از پسران است. ضریب همبستگی بین تحصیلات و هویت شخصی ۰/۲۵۵ با سطح معنی‌داری ۰/۰۰۰ بوده که نشان می‌دهد همبستگی بین دو متغیر مثبت بوده و با توجه به سطح معناداری مشاهده شده، همبستگی مذکور معنادار است. بدین معنی که هرچه وضعیت تحصیلی فرد بهبود یابد هویت شخصی جوان پررنگ‌تر می‌شود. ضریب همبستگی بین هویت شخصی با پایگاه اقتصادی - اجتماعی، با ضریب همبستگی ۰/۰۰۲ با سطح معنی‌داری ۰/۹۷۹ بوده مثبت و ضعیف مثبت و ضعیف بوده و معنی‌دار نیست. به طور کلی نتایج نشان می‌دهد که: اغلب دختران بیش از پسران گرایش به هویت‌های جمعی (ملی، مذهبی، خانوادگی و شخصی) دارند. شاید دلیل این امر ناشی از بهره‌مندی کمتر دختران از استقلال فردی و همچنین روحیه محافظه‌کارانه دختران باشد. همچنین نتایج تجربی تحقیق نشان داده که گرایش پسران به هویت گروهی و قومی بیشتر از دختران است. که این نتیجه شاید ناشی از شرایط فرهنگی جامعه ما در زمینه حضور بیشتر مردان در عرصه‌های تصمیم‌گیری باشد. بنابراین توصیه می‌شود مناسبات میان والدین و فرزندان از حیث عاطفی، روحی و کلامی توسعه یابد و اعتماد نسل جوان جلب شود تا اینکه در نهایت منجر به تحکیم هویت خانوادگی آنان شود. نهایتاً، رابطه متغیر پایگاه اقتصادی - اجتماعی تنها با هویت قومی رابطه معنادار داشته و در میان دیگر منابع هویتی بیشترین همبستگی با هویت‌های فردی دارد تا هویت‌های جمعی. یعنی هر چه پایگاه اقتصادی - اجتماعی افراد بالاتر باشد، نقش هویت‌های جمعی کم رنگ‌تر و نقش هویت شخصی پررنگ‌تر می‌شود. بر اساس این نتایج، با سنجش متغیر تحصیلات، مشخص شد تحصیلات به عنوان نمادی از تلاش فردی با هویت شخصی افراد رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. یعنی با بالا رفتن میزان تحصیلات جوانان، هویت شخصی آنان تقویت شده و از دیگر هویت‌هایی که جنبه گروهی دارند، کاسته می‌شود. در همین راستا نتایج حاصله از رگرسیون به وضوح بر تاثیر متغیرهای هویت گروهی و هویت مذهبی، که بیشترین سهم در تبیین هویت اجتماعی دارند، تاکید می‌ورزد. با بهره‌گیری از نتایج به عمل آمده، توصیه می‌شود با تصمیم‌گیری‌های متناسب با مسائل جوانان، این قشر از جامعه، در جهت مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و پیشرفت جامعه سوق داده شوند.

منابع

- احمدیان، ر. (۱۳۸۵). طراحی مدل ساختار هویتی‌یابی در جوانان با تأکید بر مؤلفه‌های شناختی؛ مجله اندیشه‌های نوین تربیت، دوره‌ی، شماره ۵۶.
- آلمال، فرنگیس (۱۳۷۵)، بررسی عوامل مؤثر بر هویت فرهنگی دانش آموزان سال سوم متوسطه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- ابراهیمی، قربانعلی و بهنوئی گدنه، عباس (۱۳۸۷)؛ بررسی جامعه شناختی گونه‌های هویتی در بین جوانان، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱.
- بارت، مارتین (۱۳۸۱). شکل‌گیری هویت ملی در کودکی و نوجوانی، ترجمه محمود شهابی، رشد آموزش علوم اجتماعی (۲).
- برگر، پیتر و همکاران (۱۳۸۱)، ذهن بی‌خانمان، نوسازی و آگاهی، مترجم: محمد ساوجی، تهران: نشر نی.
- برزویی، م (۱۳۸۶)؛ شناخت هویت دانش‌آموزان بر اساس جنسیت و رشته تحصیلی آنان در دانش‌آموزان مدارس مقطع متوسطه شهر سمنان، مجله اندیشه‌های نوین تربیتی، شماره ۵۰.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، نشر و پژوهش شیرازه، چاپ اول.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵)؛ جامعه‌شناسی نظم؛ تهران، نشر نی.
- راهنما و عبدالملکی، (۱۳۸۷). درآمدی بر مبانی نظری هویت؛ بررسی نقش دانشگاه و جنسیت در هویت‌یابی ماهنامه مهندسی فرهنگی، نشریه تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال سوم، شماره ۲۱-۲۲.
- رید، ایولین (۱۳۸۰)، آزادی زنان، مسائل، تحلیها و دیدگاه‌ها، ترجمه افشنگ مقصودی، تهران، نشر گل آذین.
- سروش، مریم، (۱۳۸۳). بررسی عوامل فرهنگی - اجتماعی مؤثر بر هویت مذهبی جوانان شهر شیراز، پایان نامه کارشناسی ارشد.
- شاکری، رضا (۱۳۸۳)؛ "رابطه آگاهی و هویت" مجموعه مقالات هویت در ایران، چاپ اول، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاددانشگاهی.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰)؛ تاخیر در تکوین هویت ایرانی در جریان تجدد، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، شماره ۳.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله؛ قادری، صلاح‌الدین؛ (۱۳۸۸). فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۸.
- قاسمی، محمد علی. (۱۳۸۱). درآمدی بر پیدایش مسایل قومی در جهان سوم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره اول،

- کاظمی پور، عبدالمحمد (۱۳۸۷)، نسل ایکس؛ بررسی جامعه شناختی نسل جوان ایرانی، تهران، نشر نی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰)؛ جهانی شدن و بحران هویت، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۱۰.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۱). تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید. ترجمه ناصر موفقیان، تهران؛ نشر نی، چاپ دوم.
- معیدفر، سعید و شهلی بر، عبدالوهاب (۱۳۸۶)، جهانی شدن و شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی: مصرف رسانه‌های بلوچ‌های ایران و چالش‌های هویت قومی و هویت ملی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی تهران، سال ۱۵، شماره ۵۶-۵۷.
- Carmen G. H. (1998), Ethnic identity and Adolescence: sandiego State University p.201
- Cherni, J. (2001), ' Social –Local Identity', in Oriorden, T., (ed.), Globalism, Localism and Indentity, London, Earthsean.
- Croger, J.(1996). Identity in Adolescence, London & New York, Routledge.
- Cross, S. E & Medson, L. (1997) “Models of the Self-Construal and Gender”, Psychological Bulletin, Vol. 122(1): 5-37.
- Jenkins, Richard. 1996. Social Identity. London: Routledge.
- Keillor, B.D. (1999). “A Five - Country Study of National Identity”. International Marketing Review, (16): 65-82.
- Lawer, S. (2008) Identity: Sociological Perspectives, Cambridge: Polity Press.
- Michael K. & Steve P. (1993) , place the politics of Identity: London and NewYork, p.30
- Sasaki, M. (2004), Globalization and National Identity in Japan. Internation Journal of Japanese sociology,54 (13): 76-87.
- Smith, A.D.(1991). National Identity. London, Penguin Books. pp8-14.
- Tajfel, H. (1982), Social Identity and Intergroup Relations, Cambridge University press.
- Woodward, K. (2004). Questioning Identity, Gender,Class, Ethnicity, London, Routledge. 35 (11): 171-76.
- Wyn, J. & white, R. (1997). Rethinking Youth. London sage Publication..